

The portrayal of child laborers in Iranian teenage poetry

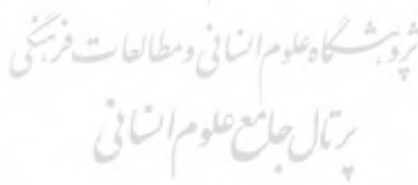
Mahsa Momennasab, PhD in Persian Language and Literature, with a specialization in Lyric Poetry, Shiraz University. Email: momennasab.m@gmail.com

Abstract

This paper aims to examine the approach to child labor in Iranian teenage poetry up until the year 2011 through a statistical, descriptive-analytical approach. To this end, fifteen poets specializing in children's and adolescent literature were selected. From their collections, one to five poetry collections written for the age groups "J to H" were chosen to study the evolution of this theme up to 2011, considering the historical development of the poems. The study also seeks to answer questions such as: Which aspects of the lives of child laborers are reflected in teenage poetry? And what changes have occurred in the aesthetic approaches to this theme in teenage poetry? The results indicate that poets have somewhat neglected this significant social reality. Only a few poets have created outstanding works by adhering to both literary merit and social awareness. The diversity in perspectives and the non-stereotypical content of works on this subject reflect the genuine impact of the suffering and challenges faced by these children on the poets. This, in turn, has led to the creation of vivid and creative works, enhancing their aesthetic value.

Keywords

Adolescent poetry, Aesthetics, Child Laborers.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیمای کودکان کار در شعر نوجوان ایران

مهسا مؤمن نسب^۱

چکیده

در این جستار کوشش شده است تا با رویکردی آماری و توصیفی - تحلیلی، چگونگی رویکرد به کودکان کار در شعر نوجوان ایران تا سال ۱۳۹۰ بررسی شود. بدین منظور، پانزده تن از شاعران کودک و نوجوان گزینش شده و سپس از میان آن دسته از مجموعه‌هایی که برای گروه‌های سنی «ج تا ه» سروده شده بودند، یک تا پنج مجموعه شعری برگزیده انتخاب شد تا با در نظر گرفتن سیر تاریخی سرودن اشعار، تحول این مضمون تا سال ۱۳۹۰ بررسی شود. همچنین به پرسش‌هایی نظیر اینکه شعر نوجوان، منعکس‌کننده کدام‌یک از وجوه زندگی کودکان کار است و از نظر توجه به معیارهای زیبایی شناختی چه تحولاتی در نحوه پرداختن به این موضوع در شعر نوجوان دیده می‌شود، پاسخ دهیم؛ نتایج نشان داد که شاعران در پرداختن به این واقعیت بارز اجتماعی تا حدی غافل مانده‌اند. تنها تعداد اندکی از شاعران با رعایت وجه ادبی و دانش اجتماعی اثری برجسته خلق کرده‌اند. تنوع در نوع نگرش و تکراری نبودن محتوای آثاری با این موضوع، نشان از تأثر حقیقی شاعران از رنج‌ها و مشکلات این کودکان دارد و این امر موجب آفرینش آثاری تصویری و خلاق و ظرفیت‌های زیبایی شناختی آن‌ها را بالا کشیده است.

واژگان کلیدی

زیبایی‌شناسی، شعر نوجوان، کودک کار.

مقدمه و بیان مسئله

به دنبال دانشگاهی شدن ادبیات کودک و نوجوان و طرح جدی آن در جوامع علمی، تربیتی و ادبی، ضرورت توجه به شعر کودک و نوجوان در ایران و رویکرد جدی‌تر به نقد و نظریه احساس می‌شود. در این میان، افزون بر چاپ نقدها و نگارش پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری در حوزه‌های گوناگون ادبیات کودک و نوجوان، هنوز به شعر نوجوان و به‌طور خاص موضوعاتی که از آغاز شکل‌گیری این نوع ادبی مهم تاکنون در ایران رواج داشته، توجه چندانی نشده و به مباحث نظری و مباحث زیبایی‌شناسانه در شعر کودک و نوجوان ایران کمتر توجه شده است. این گونه ادبی به نقدها و نظریه‌های کارآمد و دقیق برای بهبود و ارتقای کیفی خود نیاز دارد. ضرورت این نیاز از آنجایی است که نوجوانان در یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی و شناختی خود هستند و هرگونه تأثیرپذیری مثبت از ادبیات، می‌تواند نقش مهمی در رشد و کمال آن‌ها ایفا کند؛ البته تأثیرپذیری از ادبیات لزوماً به معنای ابزار تعلیم آن نیست. گاهی کسب بینش و نگرش تازه و متفاوت به جهان، یافتن دقت نظر و تأمل ژرف و عمیق بر پدیده‌های گوناگون، مانند تفکر بر دغدغه‌های انسان مدرن یا توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی و اندیشه‌های مذهبی و... می‌تواند به مراتب بیشتر از تعلیم مستقیم مفاهیم اخلاقی یا آموزش چگونه زیستن اهمیت داشته باشد؛ لذا رویکرد علمی و دقیق به شعر نوجوان موضوعاتی که تاکنون پشت سر گذاشته و می‌گذارد و شناسایی چگونگی کاربرد عناصر شعری (موسیقی، تخیل، تصویر، زبان) در آثار و همچنین آشنایی با سروده‌های چهره‌های شاخص و پرکار و بازشناخت هنرآفرینان و برجسته‌سرایان این عرصه، نقش مهمی در رشد مطلوب این آثار حتی در عرصه‌های جهانی خواهد داشت. همه کودکان روند یکسانی را در زندگی پشت سر نمی‌گذارند و در شرایط ایده‌آلی بزرگ نمی‌شوند. گاهی برخی از آن‌ها به دلیل شرایط نابرابر اجتماعی یا عواملی مانند روابط بین والدین و فرزندان و بعضی مسائل و مشکلات فرهنگی مجبور به کار می‌شوند. شرایط اجتماعی و اقتصادی متفاوت در جوامع باعث می‌شود تا کار کودک و اصولاً مفهوم کودکی تعاریف متفاوتی داشته باشند. در مجموع می‌توان گفت که کار کودک در یک جامعه به جامعه‌ی دیگر، از یک زمان به زمان دیگر و با عواملی مانند سن، جنس و طبقه تغییر می‌کند. کودک کار به کودکانی گفته می‌شود که به‌صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند. به‌طوری که این امر آن‌ها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی‌بهره می‌سازد و سلامت روحی و جسمی آن‌ها را تهدید می‌کند. مسئله کودکان کار به‌عنوان یک آسیب اجتماعی بسیار مهم که

تأثیرات ماندگار و طولانی هم در اجتماع و هم برای خود فرد می‌تواند داشته باشد در آثار هنری متعددی بازتاب داشته است. یکی از این آثار، اشعار شاعران حوزه کودک و نوجوان است. مسئله اصلی پژوهش حاضر نیز ناظر بر کیفیت بازنمایی وضعیت کودکان کار در اشعار شاعران مطرح این حوزه در ایران معاصر است. کودکان کار نه تنها در واقعیت‌های اجتماعی به‌عنوان یک معضل مهم شناخته می‌شوند، بلکه در آثار هنری و ادبی نیز بازتاب گسترده‌ای دارند. در شعر کودک و نوجوان ایران، این کودکان اغلب به‌عنوان نمادهایی از معصومیت ازدست‌رفته و آرزوهای نافرجام تصویر می‌شوند. شاعران با استفاده از تصاویر قدرتمند و احساسی تلاش می‌کنند تا نه تنها مخاطبان خود را با واقعیت‌های تلخ زندگی این کودکان آشنا کنند، بلکه همدلی و آگاهی را نیز برانگیزند. این آثار هنری می‌توانند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای نقد اجتماعی و ایجاد تغییرات مثبت در جامعه عمل کنند. بازنمایی کودکان کار در شعرهای کودک و نوجوان، علاوه بر بیان رنج‌ها و مشکلات آن‌ها به پرورش حس همدردی و مسئولیت‌پذیری در نسل‌های جدید کمک می‌کند. از این رو، می‌توان گفت که ادبیات و به‌ویژه شعر، نقش مهمی در برجسته‌سازی و افزایش آگاهی درباره این مسئله اجتماعی دارد. در این جستار، آثار شعری نوجوان که در پیوند با این موضوع سروده شده‌اند، بررسی شده است تا به چند پرسش، پاسخ داده شود:

۱. شعر نوجوان، منعکس‌کننده کدامیک از وجوه زندگی کودکان کار است؟

۲. بازتاب زندگی و مشکلات کودکان کار در شعر نوجوان چه تأثیراتی می‌تواند داشته باشد؟

۳. از نظر توجه به معیارهای زیبایی‌شناختی چه تحولاتی در نحوه پرداختن به این موضوع در شعر نوجوان دیده می‌شود؟

پیشینه پژوهش

تحقیقات زیادی تاکنون در پیوند با وضعیت کودکان کار در شهرهای گوناگون ایران و در سراسر جهان صورت گرفته که وضعیت این کودکان را مورد مطالعه قرار داده و به جست‌وجوی عوامل مؤثر در ایجاد این وضعیت برای کودکان پرداخته‌اند. از جمله حسینی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «وضعیت کودکان کار در خیابان‌های ایران» به این نتیجه رسیده است که عواملی چون نارسایی نهادهای اجتماعی‌کننده، مانند خانواده و مدرسه، فقر اقتصادی خانواده‌های کودکان خیابانی و ناتوانی آن‌ها در انطباق با شیوه‌های زندگی شهرهای بزرگ، آلودگی و آسیب‌زا بودن محله‌های حاشیه شهری، فقدان نظارت کافی

ازسوی سازمان‌های مسئول و الگوهای نادرست کنش متقابل بین شهروندان و کودکان کار، همه دست به دست هم داده‌اند تا پدیدهٔ کودکان کار به‌عنوان مشکلی جدی در بسیاری از شهرهای بزرگ خودنمایی کنند.

پژوهش‌های دیگر از این دست نیز، این مقوله را با ابزارهای آماری و نظرسنجی‌ها و روش‌های تخصصی جامعه‌شناسی بررسی کرده‌اند و به شناخت علل و عوامل و ارائهٔ راهکارها برای بهبود وضعیت کودکان کار پرداخته‌اند. برخی از اندیشمندان و صاحبان قلم در ادبیات به‌منظور آگاهی‌بخشی سطوح مختلف جامعه با این قشر و آشنا کردن آنان با مشکلات این کودکان، گوشه‌هایی از زندگی و مشکلات آنان را در آثار خود ترسیم کرده‌اند. در ادبیات کودک و نوجوان نیز نویسندگان و شاعرانی با هدف آگاهی‌بخشی به مخاطبان خود به‌عنوان نسل آینده یا مضمونی که باید به آن توجه شود، این موضوع را در آثار خود بازتاب داده‌اند.

خجسته و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «سیمای کودکان کار در آثار داستانی کودک و نوجوان پس از انقلاب اسلامی» با بررسی و تحلیل داستان‌های کودک و نوجوان چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که کار کودک در جهان سنتی و روستایی، عنصری مثبت برای رشد و کمال کودک است، همچنین مرحله‌ای برای تشریف او به بزرگسالی در فضای صنعتی و شهری به‌منزلهٔ مقوله‌ای از جنس استثمار و تعرض به حقوق کودک نمایان شده است. در این مقاله همچنین اهداف داستان‌نویسان از پرداختن به مقولهٔ کودک کاری، نقد و بررسی شده است.

نکتهٔ قابل توجه در آثار ادبی با این رویکرد این است که «در صورتی که این مضمون به‌صورت جذاب و مطابق با نیازهای خوانندهٔ آن تهیه شده باشد، ابزار مناسبی را برای درون‌سازی و برون‌سازی و به‌طور کلی، پالایش روانی در اختیار مخاطب قرار می‌دهد و بدین شیوه، نوجوان به کمک همانندسازی با شخصیت‌های داستان و برون‌ریزی هیجان‌ها، اندیشه‌ها و اعمال خود می‌تواند مشکلاتش را عمیق‌تر و درست‌تر تجزیه و تحلیل کند. چنین تحلیل‌هایی باعث افزایش خودآگاهی و درک عمیق‌تر از خود و ارتباط با دیگران می‌شود» (پریخ، ۱۳۸۵: ۵۳).

روش پژوهش

در این پژوهش کوشش شده با رهیافتی آماری و توصیفی - تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی، به چگونگی رویکرد به «کودکان کار» در شعر نوجوان پرداخته شود؛ بدین منظور

از میان تعداد زیاد شاعران کودک و نوجوان، پانزده تن از پرکارترین‌ها و با تجربه‌ترین‌ها، از چند نسل، با نظر متخصصان و شاعران کودک و نوجوان (دکتر پروین سلاجقه، دکتر مهدی حجوی، مصطفی رحماندوست، افسانه شعبان‌نژاد، جعفر ابراهیمی و اسدالله شعبانی) گزینش شدند؛ این شاعران عبارتند از: محمود کیانوش، مصطفی رحماندوست، افسانه شعبان‌نژاد، جعفر ابراهیمی، بیوک ملکی، ناصر کشاورز، محمود پوروهاب، داوود لطف‌الله، رودابه حمزه‌ای، سیداحمد میرزاده، اسدالله شعبانی، محمدکاظم مزینانی، عرفان نظرآهاری، عباس‌ترین، آتوسا صالحی. پس از آن با مراجعه به پایگاه‌های الکترونیکی، مرکز اسناد کتابخانه ملی ایران و کتابخانه آستان قدس رضوی و تماس با شاعران، فهرستی از آثار شعری شاعران تا سال ۱۳۹۰ فراهم شد و سپس از میان آن دسته از مجموعه‌هایی که برای گروه‌های سنی «ج تا ه» سروده شده بودند، یک تا پنج مجموعه شعری برگزیده و تجدید چاپ‌شده، انتخاب شد تا با در نظر گرفتن سیر تاریخی سرودن اشعار، تحول این مضمون تا سال ۱۳۹۰ بررسی شود. در حین گزینش مجموعه‌های شعری، برخی از آن‌ها گزیده‌ای از مجموعه‌های پیشین شاعران بودند و اشعار بسیاری را در بر می‌گرفتند که انتظار پراکندگی موضوع کودکان کار را در خود برآورده می‌کردند. به‌همین دلیل، بررسی یک تا سه مجموعه شعر از این شاعران اکتفا شد (مثال: مجموعه شعر «بچه‌های جهان» سروده محمود کیانوش شامل گزیده ۹۵ شعر از آثار پیشین شاعر).

در نهایت، تعداد ۶۳ مجموعه شعر با در نظر گرفتن سیر تاریخی سرایش آنان (۵۷ تا ۹۰) و کثرت تجدید چاپ و جوایز دریافتی آنان انتخاب شد و از نشانه‌هایی که به نوعی با کودکان کار در ارتباط بودند، یادداشت‌برداری صورت گرفت. در مرحله بعد، انواع عناصر رویکرد به کودکان کار ارزیابی و دسته‌بندی شد و از نظر بسامد و کیفیت، همچنین به‌لحاظ تحول و نوآوری‌های زیبایی‌شناسی بررسی شد.

تحلیل آثار

در میان آثار بررسی‌شده تنها پنج شاعر در هفت مجموعه و نه سروده خود، در نه نشانه شعری به این موضوع توجه نشان داده‌اند؛ این میزان توجه، نشان می‌دهد که شاعران از پرداختن به این موضوع به‌شدت غافل مانده‌اند، این در حالی است که این موضوع، ظرفیت‌های زیادی برای شعریت یافتن و نشان دادن ابعاد گوناگون زندگی کودکان کار دارد. جدول زیر پراکندگی این موضوع را در شعر نوجوان نشان می‌دهد:

جدول ۱. پراکندگی موضوع کودکان کار در شعر نوجوان

نام شاعر	تعداد مجموعه‌ها	تعداد شعرها	تعداد نشانه‌ها
مصطفی رحماندوست	۱	۲	۱
افسانه شعبان‌نژاد	۳	۴	۵
اسدالله شعبانی	۱	۱	۱
داوود لطف‌الله	۱	۱	۱
بیوک ملکی	۱	۱	۱

در دنیای معاصر، کودکان زیادی به دلایل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گرفتار این معضل شده‌اند و برخی همچنان در معرض گرفتار شدن به این مصیبت‌اند. توجه به این موضوع در شعر نوجوان، می‌تواند عواطف خاموش مخاطب را برانگیزد و حس نوع‌دوستی را در او ایجاد کند. با وجود رویکرد بسیار ناچیز به این موضوع آنچه در نگاه نخست در مورد این اشعار جلب نظر می‌کند، تنوع در انواع کودکان کار موجود در این اشعار است که در ادامه شواهد این سخن بررسی خواهد شد.

• مناسبات اقتصادی خانواده

در جامعه ایران، کودکان به دلایل گوناگونی مجبور به کار و دور شدن از فضای کودکانه و تحصیل می‌شوند. از جمله وضعیت نامناسب خانواده، به‌علت عدم حضور پدر، اعتیاد، ازکارافتادگی، بیماری و... ایجاد می‌شود و زمینه‌ساز فقر، مشکلات اقتصادی و به‌تبع آن، کودک مجبور به کار می‌شود:

«دانه‌دانه برف می‌بارد هنوز/ در سر بازارها در خانه‌ها/ کوچه‌ها خالیست، مردم بی‌گمان/ یا سر کارند یا در خانه‌ها/ صبح زود از خانه بیرون آمدم/ تا که شاید مشتری پیدا کنم/ هست مادر چشم بر در تا که من/ لقمه نان دیگری پیدا کنم/ کرده‌ام فریاد: واکسی، واکس، واکس/ صبح تا حالا میان کوچه‌ها/ هیچ‌کس با من ندارد کار و من/ مانده‌ام تنها میان کوچه‌ها/ بچه‌های مثل من توی کلاس/ شاید اکنون جمله‌سازی می‌کنند/ شاید الان زنگ تفریح است و باز/ بچه‌ها با برف بازی می‌کنند/ دست من از سوز سرما یخ زده/ نان ما در سفره رنگین کیست؟/ واکس اعلا می‌زنم من، واکس، واکس/ هیچ‌کس در کوچه‌های شهر نیست» (رحماندوست، ۱۳۸۰: ۱۴). از متن شعر می‌توان فهمید که مادر چشم بر در است تا کودک لقمه نان دیگری پیدا کند و این موضوع می‌تواند به دلیل عدم حضور پدر یا ضعف و ناتوانی او باشد.

شعر از زبان کودکی سروده شده که به جای حضور در مدرسه و بهره بردن از شادی

کودکی، ناگزیر به دلیل شرایط اقتصادی نابسامان خانواده خود، کفش‌های مردم را واکس می‌زند. عاملی که در این شعر بیش از هر عنصر دیگری برجسته است، عاطفه آن است. شعر با توصیف بارش برف، سرما و خالی بودن کوچه‌ها، فضایی سرد و بی‌روح را توصیف کرده که در آن هیچ‌کس جز کودک نیست. کودک، تنها در کوچه‌ای به شدت سرد به دنبال لقمه نانی می‌گردد. پرسش بلاغی «نان ما در سفره رنگین کیست؟» موجب تأکید بر تفکر مخاطب و تأثیرگذاری شعر می‌شود. تنها ماندن و حسرت خوردن کودک از اینکه همسالانش برخلاف او مشغول بازی در مدرسه هستند، عاملی دیگر در برجسته کردن عاطفه شعر است.

تقابل‌های دوگانه، زیربنای تفکر انسان‌ها در شناخت بسیاری از پدیده‌هاست. بیشترین وجه ادبی و بلاغی این شعر نیز، تقابل دورنگ «سفید و سیاه» در برف و واکس است. بنای این شعر بر تقابل دو وجه «سفیدی و سیاهی»، «شادی و غم» و «فقر و ثروت» گذاشته شده است و بلاغت آن در پنهان بودن این تقابل‌ها در بطن شعر است. شکل‌گیری این شعر براساس تعارض این قطب‌های متقابل و متضاد، موجب برانگیختن حس انسان‌دوستی و عدالت در مخاطب می‌شود. در این شعر همچنین ما با دو نوع کودک و دو نوع زندگی مواجهیم؛ کودک غمگین و کودک شاد، زندگی دشوار و زندگی رنگین و پایان یافتن شعر با عبارت «هیچ‌کس در کوچه‌های شهر نیست» نشان‌دهنده نادیده گرفته شدن این کودکان در اجتماع است.

در فضای روستایی، کار کودک معمولاً بخشی از زندگی این خانواده‌ها را نشان می‌دهد و برای تولیدهای اقتصادی آن خانوار ضروری است. کودک در چنین محیطی، تحت نظر والدین خود کار می‌کند و در ازای کار، دست‌مزدی دریافت نمی‌کند. کار کودک در این خانواده‌ها یک پدیده بدیهی و کاملاً طبیعی است و از او به‌عنوان بازوهای اقتصادی خانواده، انتظار می‌رود بخشی از وظایف را در محیط کار و نیز در امور خانه به عهده گیرند: «من و مادر کنار دارِ قالی/ همیشه روز و شب مشغول کاریم/ در این تنها اتاق خانه باید/ میان باغ قالی گل بکاریم/ ولی فرش اتاق ما به جز یک/ گلیم کهنه چیز دیگری نیست/ تمام زحمت روز و شب ما/ خدا داند برای خانه کیست/ همیشه با نخ خوش‌رنگ باید/ بیافم بوته‌ها را غنچه‌ها را/ تمام نقش قالی‌های ما هست/ پر از گل‌های رنگارنگ و زیبا/ ولی یک روز نقشی می‌کشم من/ که شاید بهتر از هر نقش باشد/ بیافم با دو دستم فرشی آن روز/ که نقشش خانه‌ای بی فرش باشد» (شعبان‌نژاد، ۱۳۷۶: ۲۶).

در این سروده نیز، فقر و محیط زندگی به‌عنوان عاملی برای به‌کارگیری کودک شناخته

شده است. در این شعر، صحبتی از به مدرسه نرفتن کودک نشده است باین حال، کودک از روز و شب مشغول به کار بودنش زبان به شکایت گشوده و خسته است. تقابل‌ها و زندگی‌های دوگانه موجب جلب نظر مخاطب و دل‌سوزی و همراهی با او می‌شود. در جامعه ایران، بخش نسبتاً بزرگی از کودکان و نوجوانانی که در روستاها یا مناطق محروم زندگی می‌کنند، برای گذراندن زندگی ناگزیرند در کنار تحصیل، کار کنند و حتی از نعمت تحصیل محروم باشند.

• مشکلات و عواطف

احساسات کودک آسیب‌دیده کار در این آثار بازتاب دهنده تجربه‌های عاطفی و تنش‌زای کودکان کار است و واگویی‌های آنان با مخاطب، امکان پیوند و همدلی میان مخاطب و شخصیت کودک کار را بیشتر فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد هدف اصلی این آثار به اشتراک گذاشتن دل مشغولی‌های این کودکان با مخاطب است:

«چرخ‌دستی را به سختی می‌کشید/ زیر باران می‌گذشت از کوچه‌ها/ کوچه‌هایی چون لبو سرخ و کبود/ کوچه‌هایی قهر با آهنگ پا/ پابه‌پای ناتوان و کوچکش/ کوچه‌ها را پرسه می‌زد باد سرد/ دست‌هایش را که باران خورده بود/ با بخار روی چرخش گرم کرد/ مثل گنجشکی هراسان توی باد/ در پناه تک درختی ایستاد/ خسته بود و کنج دیواری نشست/ خستگی‌ها را به آن دیوار داد/ با صدایی یخ زده از سوز باد/ زیر باران داد زد: داغ لبو/ شیشه‌ی سرد نگاهش را شکست/ قطره‌های بی‌امان اشک او» (لطف‌الله، ۱۳۷۳: ۱۰-۱۱).

در این سروده، رنج و خستگی فراتر از توان و طاقت کودک به دلیل سنگینی چرخ‌دستی و سرمای هوا و باران، بر شدت فاجعه افزوده و می‌تواند موجب درک بیشتر مخاطب از این قشر از کودکان شود.

به‌گزینی عبارات و تصویرهای این شعر با هدف القای خستگی و مشقت‌های کودک کار، باعث پیوند رشته‌های این شعر شده است. برای مثال:

۱. تناسب عباراتی چون «به‌سختی کشیدن چرخ‌دستی»، «زیر باران گذشتن از کوچه‌ها»، «پرسه زدن باد در کوچه‌ها و سرد شدن دستان کودک» باعث شده تا او دست‌های باران خورده‌اش را با بخار روی چرخش گرم کند و مثل گنجشکی هراسان در باد در پناه تک درختی بایستاد.

۲. «چون لبو سرخ و کبود بودن کوچه‌ها» تداعی‌کننده کبودی و سرخی پا به دلیل زیاد راه رفتن کودک است و عبارت «کوچه‌هایی قهر با آهنگ پا و پابه‌پای ناتوان و کوچکش» در تأکید این سخن هست.

۳. در بخش بعدی: با صدایی یخزده از سوز باد زیر باران داد می‌زند: «داغ لبو» در این لحظه، تقابل زیبای سردی و ضعف بدن کودک با داغی و سرخی لبو نمایان می‌شود. تناقض کوچکی و ضعف کودک با کاری که در حد توانش نیست، تقابل سرما و گرما، سرخی و قوت‌مندی لبو با ضعف و ناتوانی کودک و همین عامل باعث می‌شود که ناگهان شیشه سرد نگاه کودک را قطره‌های بی‌امان اشک او بشکند.

۴. تشبیه نگاه کودک به شیشه سرد نیز در تکمیل سستی و ناتوانی کودک از کار کردن که موجب زیبایی بند پایانی شعر شده است.

• جنسیت و تأثیر برانگیزی

توجه به جنسیت کودکان کار و یگانه دانستن دو جنس دختر و پسر در تحمل کارهای فراتر از توان، واقعیتی است که به دلیل فراگیر بودن آن در جامعه تأمل‌پذیر است. استعمار کودکان و به کارگمارده شدن آنان، بی‌توجهی به سن و جنس این کودکان، معصومیت و بی‌پشتیبانی آن‌ها را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

شعبانی با استفاده از تأثیر القایی رنگ‌ها، شعری با مضمون کودکان کار سروده است که دربارهٔ یک «دختر» کودک کار است. بدون شک، رنگ‌ها نقش مهمی در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کنند و رنگ به‌عنوان عنصری مهم در زیبایی اشیاء در ارائهٔ معانی و مفاهیم مختلف شناخته می‌شود. رنگ‌ها می‌توانند القاکنندهٔ مفاهیم بی‌شماری باشند و در بافت یک متن ادبی معنای نماد می‌گیرند؛ معنایی که وضعی و قراردادی و از طرفی حامل طرز تفکر و احساسات روحی و روانی فرد است. ساخت یک تصویر هنری در گزینش ناخودآگاه رنگ توسط شاعر، می‌تواند منجر به خلق تصویری ایده‌آل شود.

گفته در رسالهٔ رنگ‌ها ثابت می‌کند که هر رنگ تأثیر خاصی دارد و حال و هوای روانی مخصوصی پدید می‌آورد. می‌توان منطق رنگ‌ها و اهمیت بسیار زیاد هر رنگ را به زبان قوانین علم فیزیک که تابش آن‌ها را اندازه می‌گیرند، دقیق تعریف کرد. به‌عنوان نمونه بعضی رنگ‌ها نشاط‌انگیز، آرام‌بخش، تسکین‌دهنده و برخی دیگر، تحریک‌بخش، مایهٔ سرزندگی، جنب‌وجوش و برانگیزاننده هستند. از طرفی، رنگ‌هایی هم غم و اندوه را تداعی می‌کنند؛ البته زبان رنگ‌ها در شرایط مختلف متفاوت است و در این موارد حکم کلی نمی‌توان داد (فریزر، ۱۳۸۳: ۹۲ و دوبور، ۱۳۷۶: ۱۱۵-۱۱۶).

در شعر زیر کودک کار، دختری هست که کار او متناسب با سن، جنس و روحیات او نیست. شعبانی با استفاده از چهار رنگ «خاکستری، قرمز، سبز و زرد» القای عاطفی شعر را اثربخش‌تر کرده است:

«خیابان خسته و سنگین/ پر از دود و هیاهو بود/ زنی با چادر و زنبیل/ گذشت از حلقه‌های دود/ درختی شاخه‌اش خم شد/ کلاغی بال زد ترسید/ صدای بوق ماشینی/ به گوش آسمان پیچید/ چراغ سبز قرمز شد/ کسی فریاد زد سیگار/ صدای دختری رویید/ میان جدول و دیوار/ بساط کوچکی را داشت/ در آن سیگار با کبریت/ به تن پوشیده بود آن روز/ لباس کهنه‌ای از چیت/ کسی سیگاری از او خواست/ و با کبریت روشن کرد/ کنار شعله کبریت/ زمین و آسمان شد زرد/ و من پاییز را دیدم/ که در باغ دلم آویخت/ صدای دخترک، چون باد/ تمام برگ‌ها را ریخت» (شعبانی، ۱۳۷۶: ۱۶).

شعر با توصیف فضای زندگی شهری، آلودگی و شلوغی این محیط و تقابل آن با طبیعت آغاز شده است. رنگ دودی (خاکستری) که با تأکید و تکرار در طول شعر به کار رفته، فضایی ملال‌آور و مأیوس‌کننده را توصیف کرده است. در مجموع، تضاد دوگانه در محیط شهری و طبیعت را یادآوری می‌کند. در اینجا غلبه این رنگ بر محیط شهری، ویرانی و خرابی طبیعت را نشان می‌دهد. نشانه‌های این خرابی در خم شدن شاخه درخت، ترسیدن کلاغ و رسیدن صدای بوق ماشین به گوش آسمان نمایان می‌شود که همگی منجر به قرمز شدن چراغ سبز طبیعت شده است؛ رولاند هانت، درباره رنگ سبز می‌گوید: «سبز، رنگ طبیعت، رنگ نیروی تعادل، رنگ پیشرفت ذهنی و بدنی است. سبز نشان هماهنگی و اثر خوشایند به دستگاه عصبی است» (هانت، ۱۳۷۸: ۸۱).

بررسی‌ها درباره رنگ قرمز نیز نشان داد که این رنگ از شدت، قوت و خشونت بهره‌مند است و موضع‌گیری‌های عاطفی یا پرخاشگراانه روح، قرمز هستند (ستاری، ۱۳۸۰: ۷۱)؛ بنابراین قرمز شدن چراغ راهنمایی، اشاره کنایی به نابسامانی و آشفتگی شهری و از بین رفتن طبیعت دارد. گویا همه این تصاویر، مقدمه‌ای برای رسیدن به روایت تصویر اصلی شعر است.

در میان این همه شلوغی و سنگینی هوا، هیچ‌کس متوجه معصومیت دختر بچه سیگار فروش نیست؛ دختری که یک بساط کوچک دارد و سیگار می‌فروشد و به جای اینکه تن پوشی گلدار و رنگین بر تن داشته باشد، لباس کهنه‌ای از جنس چیت پوشیده است. تصویر زیبایی دیگر در این بخش شعر، از تقابل میان ضعیفی دختر بچه و بساط کوچکش با بلندی و استواری جدول و دیوار ایجاد شده است و این تقابل، باعث نادیده گرفتن و به نوعی دیده نشدن این دختر در خیابان می‌شود. توجه به ویژگی‌های جنسیتی این کودک از قبیل نوع پوشش و صدای دختر، نکته شایسته‌ای است که در شعر نوجوان کمتر به آن توجه می‌شود.

در بخش بعدی شعر، کسی سیگاری از دختر می‌خواهد و آن را با کبریت روشن می‌کند. تصویر زیبای زرد شدن زمین و آسمان میان شعله کبریت از یک سو تصویری حقیقی و دیداری است که در لحظه روشن شدن کبریت دیده می‌شود و از سوی دیگر، به‌عنوان تصویر نمادین که با استفاده از رنگ‌ها خلق شده است. از نظر لوشر معنای رنگ زرد، جست‌وجو برای یافتن راهی برای بیرون آمدن از دشواری‌هاست (علوی مقدم به نقل از لوشر، ۱۳۸۹: ۸۳). برخی نیز زرد را نمادی از پژمردگی، اضطراب، غم و تنفر دانسته‌اند (نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۲۴). اگرچه در برخی از آثار ادبی مانند هفت پیکر نظامی، نشانی از صداقت و راستی هست و با خورشید تناسب دارد (واردی و مختارنامه، ۱۳۸۶: ۱۷۴ و ۱۷۶) یا در آثار سهراب، یادآور آرامش و صلح است (حسن‌لی و صدیقی، ۱۳۸۲: ۸۱)، اما می‌توان گفت این رنگ در آثار اغلب شاعران معاصر، بیشتر کاربردی منفی دارد و با اشیاء و پدیده‌هایی مانند برگ، خزان، یأس ارتباط دارد (مرادی، ۱۳۹۵: ۱۵۸-۱۵۹). در ادامه همین شعر، زردی شعله کبریت شاعر را به یاد پاییز می‌اندازد؛ فصل پژمردگی، یأس و پیچیده شدن صدای دخترک در باد، حسن تعلیل زیبای است که باعث ریخته شدن برگ‌ها و بیشتر از بین رفتن طبیعت می‌شود و دلیل دیگر آن، جدال نابرابر و ناعادلانه دختر در نبرد با زندگی و پذیرفتن کاری که با روحیه ظریف و شکننده یک دختر کمتر سازش دارد و آن غرق شدن در دنیای مردانه است که با روشن کردن سیگار توسط دختر، نشان داده شده است.

هدفمند و سامانمند بودن تصاویر این شعر، موجب درهم‌تنیدگی ساختمان آن شده است. همچنین، ساخت روایی شعر، روابط علی و معلولی و قابلیت نمایشی آن را منسجم کرده و بر زیبایی آن افزوده است.

• محروم بودن از تحصیل

کودکان خیابانی از تحصیل بی‌بهره‌اند. ناتوانی در پرداخت هزینه‌های تحصیلی یا به‌استثمار کشیده شدن این کودکان که غالباً مجوز تحصیل را از آنان می‌گیرد، سبب محرومیت این کودکان از تحصیل می‌شود. ملکی در شعری حسرت و اشتیاق این کودکان را برای به مدرسه رفتن و بودن در کنار همسالانشان نشان داده است:

«باز در پیاده‌رو/ آتشی به پا شده/ آتشی که روشن از/ شوق بچه‌ها شده.../ باز مثل روز عید/ بوی کفش‌های نو/ برق چشم آفتاب/ روی کفش‌های نو/ تخته و گچ و مداد/ کیف و دفتر و کتاب/ باز هم صدای زنگ/ لحظه‌های پر شتاب/ ساعتی گذشته است/ کوچه باز ساکت است/ آتشی که داغ بود/ سرد شد، فرو نشست/ او ولی هنوز هم/ مانده در پیاده‌رو/

چیست در خیال او/ دفتر و کتاب نو/ مدرسه برای او / مثل خواب، مثل راز/ هیچ‌کس به نام او/ دفتری نکرده باز» (ملکی، ۱۳۸۵: ۱۸-۱۹).

شاعر در ابتدای شعر به شور و شوق کودکان اشاره می‌کند که به آتش و گرمای خاصی تشبیه شده است. این شور و شوق به‌ظاهر موقتی و گذرا است؛ زیرا اندکی بعد جای خود را به سردی و سکوت می‌دهد. آتش و گرما، استعاره‌ای از امیدها و آرزوهای کودکان است که به‌دلیل شرایط زندگی‌شان فرو می‌نشینند.

این شعر، تضاد بین دنیای کودکی و دنیای کودکان کار را به‌خوبی نشان می‌دهد. درحالی‌که کودکان در شرایط عادی به مدرسه می‌روند و از تحصیلات بهره‌مند می‌شوند، کودکان کار در خیابان‌ها مشغول به کار هستند و رویای مدرسه برای آن‌ها به «خواب» و «راز» تبدیل شده است. این تضاد، نابرابری اجتماعی و بی‌عدالتی‌هایی را که کودکان کار با آن مواجه هستند به وضوح نشان می‌دهد. شاعر با استفاده از تصاویر حسی و استعاری، احساسات و شرایط کودکان کار را به شکلی مؤثر به تصویر می‌کشد. «بوی کفش‌های نو» و «برق چشم آفتاب روی کفش‌های تو» تصاویری زنده و ملموس هستند که شادی کودکان از داشتن کفش‌های نو را نشان می‌دهند. این تصاویر باعث می‌شوند خواننده، لحظه‌های کوتاه شادی و خوشی کودکان کار را بتواند حس کند.

«آتشی که روشن از شوق بچه‌ها شده» و «آتشی که داغ بود، سرد شد» استعاره‌هایی هستند که به شور و شوق زودگذر کودکان کار و سپس فرو نشستن آن اشاره دارند. این استعاره‌ها کمک می‌کنند تا خواننده ناپایداری شادی‌ها و آرزوهای کودکان کار را درک کند. تضاد بین «تخته، گچ و مداد» و «کیف، دفتر و کتاب» با «خیال او دفتر و کتاب نو» نشان‌دهنده دنیای متفاوتی است که کودکان کار در آن زندگی می‌کنند. درحالی‌که کودکان عادی از این ابزارها برای یادگیری و رشد استفاده می‌کنند، این ابزارها برای کودکان کار تنها در خیال و آرزو باقی می‌مانند.

استفاده از لحن روایی و ریتم ملایم، احساس همدلی و نزدیکی را در خواننده ایجاد می‌کند. این لحن باعث می‌شود که خواننده نه‌تنها وضعیت کودکان کار را درک کند، بلکه با آن‌ها همدردی کند. این شعر با بهره‌گیری از تصاویر حسی و استعاری، توانسته است واقعیت تلخ زندگی کودکان کار را به شکلی اثربخش به تصویر بکشد. این شعر علاوه‌بر نقد اجتماعی و بازتاب نابرابری‌ها به خواننده کمک می‌کند تا با دنیای کودکان کار آشنا شود و احساس همدلی بیشتری نسبت به آن‌ها پیدا کند. درنتیجه، این اثر هنری می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای آگاهی‌بخشی و تغییرات مثبت در جامعه استفاده شود.

نتیجه‌گیری

بررسی آثار شعری که تصویر کودکان کار را در جامعه ترسیم می‌کردند، نشان داد که شاعران در پرداختن به این واقعیت بارز اجتماعی تا حدی غافل مانده‌اند. تنها تعداد اندکی از شاعران با رعایت وجه ادبی و دانش اجتماعی، اثری برجسته خلق کرده‌اند. این مسئله به‌ویژه زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به نقش و مسئولیت شاعران و نویسندگان در بازتاب واقعیت‌های اجتماعی توجه کنیم. ادبیات به‌عنوان آئینه جامعه، وظیفه دارد که علاوه بر بیان زیبایی‌ها و جلوه‌های مثبت به مسائل و مشکلات اجتماعی نیز بپردازد و آگاهی عمومی را نسبت به آن‌ها افزایش دهد.

شاعران نوجوان ایرانی از موضوع کودکان کار برای نقد بی‌عدالتی‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. در این اشعار، سیستم‌هایی که باعث ایجاد و تداوم این وضعیت شده‌اند به چالش کشیده می‌شوند. به‌عنوان مثال، مسائلی مانند فقر و عدم آموزش می‌توان نام برد. تنوع در نوع نگرش و تکراری نبودن محتوای آثاری با این موضوع، نشان از اثرپذیری حقیقی شاعران از رنج‌ها و مشکلات این کودکان دارد و این امر موجب آفرینش آثاری تصویری و خلاق شده و ظرفیت‌های زیبایی‌شناختی آن‌ها را بالا کشیده است. بدین ترتیب می‌توان به این نکته اشاره کرد، چنین تنوعی در نگرش و پرداخت هنری، محصول تجربه زیسته و تعامل مستقیم با موضوع‌های مقصود است. شاعری که بتواند به عمق مسئله پی ببرد و با آن همدلی کند، قادر است اثری خلق کند که نه تنها زیبا و هنری باشد، بلکه پیام اجتماعی قوی و تأثیرگذاری نیز داشته باشد.

بهره‌گیری هوشمندانه شعبانی از رنگ‌ها در جهت برجسته کردن عاطفه و تصویر شعر خود، نمونه‌ای از انگیزه زیاد این شاعر در لحظه خلق شعر است که به تفصیل به آن اشاره شد. این بهره‌گیری از رنگ‌ها و تصاویر نه تنها به اثر شعری زیبایی و جذابیت بصری می‌بخشد، بلکه باعث می‌شود که خواننده احساسات و حالت‌های درونی شخصیت‌ها و وضعیت اجتماعی آن‌ها را بهتر درک کند. این رویکرد بصری و عاطفی در شعر می‌تواند به نوعی گفت‌وگوی غیرمستقیم با مخاطب منجر شود و او را به تفکر و تعمق بیشتری وا دارد. این دسته از آثار که در نتیجه تأمل و تجربه‌مندی شاعران ایجاد می‌شوند را می‌توان اشعار نابی دانست که تأثیرگذاری عاطفی و قدرت تصویر و تخیل آن‌ها به‌گونه‌ای است که شعر را از لایه‌های تأویل‌پذیر غنی می‌کند و ابهام موجود در آن‌ها، مخاطب را به لذت حاصل از کشف می‌کشاند. این آثار با توجه به عمق و چند لایه بودن، مخاطب را به نوعی تعامل فعال و پویا دعوت می‌کنند؛ به این معنا که هر خواننده بسته به تجربیات و

دیدگاه‌های خود، می‌تواند لایه‌های مختلفی از معنا را در آن‌ها کشف کند و باعث می‌شود که شعر به یک اثر هنری پویا و تأمل‌برانگیز تبدیل شود.

آشنایی بیشتر با دغدغه‌ها و شرایط زیست - محیطی این کودکان، موجب خلق آثاری می‌شود که با واقع‌گرایی بیشتر مؤثرتر باشند و مخاطبان را با وجوه تازه‌ای از زندگی این کودکان آشنا سازند و این امر منجر به افزایش ظرفیت درک و پذیرش این افراد از سوی جامعه می‌گردد. همچنین می‌توان به این نکته اشاره کرد که هرچه شناخت و آگاهی شاعران از وضعیت اجتماعی و اقتصادی کودکان کار بیشتر باشد، آثار آنان نیز به واقعیت نزدیک‌تر شده و قابلیت تأثیرگذاری بیشتری خواهند داشت. این آشنایی می‌تواند از طریق پژوهش‌های اجتماعی، مصاحبه با کودکان کار یا حتی تعامل مستقیم با آن‌ها به دست آید. بدین ترتیب شعرهایی که با چنین رویکردی خلق می‌شوند، می‌توانند نقش مؤثرتری در تغییر نگرش جامعه و بهبود شرایط زندگی این کودکان ایفا کنند.



منابع و مآخذ

- پریخ، مهری، امجدی، زهرا (۱۳۸۵). داستان همچون ابزاری برای کمک به کودکان و نوجوانان در مقابله با مشکلات بررسی داستان‌های کودکان با رویکرد کتاب درمانی. *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوانان*، (۴۷)، ۴۹-۶۸.
- حسن‌لی، کاووس، صدیقی، مصطفی (۱۳۸۲). تحلیل رنگ در سروده‌های سهراب سپهری. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید باهنر کرمان*، ۶۱-۱۰۳.
- حسینی، حسن (۱۳۸۴). وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران. *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، (۱۹)۵، ۱۷۳-۱۵۵.
- خجسته، فرامرز، جمالی، عاطفه، زبیدی، مریم (۱۳۹۶). سیمای کودکان کار در آثار داستانی کودک و نوجوان فارسی پس از انقلاب اسلامی. *متن پژوهی ادبی*، (۷۳)۲۱، ۱۲۹-۱۵۰.
- دوبور، مونیک (۱۳۷۶). *رمزهای زنده جان*. ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات مرکز.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۸۰). آسمان هنوز هم آبی است. چاپ اول، تهران: انتشارات محراب قلم.
- ستاری، جلال (۱۳۸۰). *هویت ملی و هویت فرهنگی*. تهران: انتشارات مرکز.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۷۶). *پونه‌ها و پروانه‌ها*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۷۶). *شیشه‌های آسمان*. چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- علوی مقدم، مهیار، پورشهرام، سوسن (۱۳۸۹). کاربرد نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد. *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، (۲)، ۸۳-۹۴.
- فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۳). *شاخه زرین*. ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: انتشارات آگاه.
- لطف‌الله، داوود (۱۳۷۳). *احوال‌پرسی چترها*. چاپ اول، تهران: انتشارات زلال.
- مرادی، محمد (۱۳۹۵). *تنوع متمایز رنگ در اشعار حسین منزوی و تحلیل جلوه‌های نوآورانه و تقلیدی آن*. *شعرپژوهی بوستان ادب*، (۳)۸، ۱۳۹-۱۶۶.
Doi: 10.22099/jba.2016.3567
- ملکی، بیوک (۱۳۸۵). *در پیاده رو*. چاپ پنجم، تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- نیکویخت، ناصر، قاسم‌زاده، سید علی (۱۳۸۴). *زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر؛ با تکیه و تأکید بر اشعار نیمه سهراب سپهری و موسوی گرمارودی*. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ۲۰۹-۲۳۹.
- واردی، زرین‌تاج، مختارنامه، آزاده (۱۳۸۶). *بررسی رنگ در حکایت‌های هفت‌پیکر نظامی*. *ادب‌پژوهی*، (۲)، ۱۶۷-۱۸۹.
Dor: 20.1001.1.17358027.1386.1.2.8.7
- هانت، رولاند (۱۳۷۸). *هفت کلید رنگ درمانی*. تهران: انتشارات جمال‌الحق.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی